



امضا، ماهیت و کارکرد آن

عبداله رجبی*، حسین حقی**

چکیده

هر زمان سخن از سند یا نوشته‌ای در میان باشد، ناخودآگاه تبادر ذهنی وجود امضا در آن به صورت لازم و ملزوم ایجاد می‌شود. بدهت عرفی امضا از علل مهم خلأ مطالعاتی در ماهیت، کارکرد و ضرورت آن در اسناد به لحاظ حقوقی است. فقدان تعمق و تدقیق در این مقوله به گونه‌ای است که به جهت تصور سنتی از امضا، گاه در انطباق مفهوم بر مصادیق، دچار تحدید قلمرو شده و گاه کارکردهای مختلف آن مغفول مانده یا مورد انکار قرار گرفته و در برخی موارد اعتبار ظرف آن یعنی سند به لحاظ حجیت مورد تردید واقع شده است.

در این نوشته بر آن شدیم تا پس از آشنایی با مفهوم و مصادیق امضا و تفکیک آن از مفاهیم مشابه، ضرورت آن در اسناد گوناگون را بررسی نماییم. در این مسیر به این نتیجه می‌رسیم که علامت منقش یا منتسب به نوشته یا همان امضا شامل مصادیقی چون امضای دستی، الکترونیکی، مهر، امضاهای بیومتریک و غیره می‌شود. امضا، دارای کارکرد انتساب سند، تعیین هویت امضاکننده و اهم آن‌ها، ابراز اراده است که در مصادیق مختلف از درجات اعتباری متفاوتی به لحاظ قابلیت انحصار برخوردار است و از نظر فقهی نیز حجیت سند و به تبع آن امضا تعارضی با حجیت لفظ در این کارکرد ندارد. همچنین، وجود امضا در اعتباردهی به سند موضوعیت دارد و به نوشته فاقد امضا، نمی‌توان به عنوان سند استناد کرد، هرچند مفاد آن از طریق ادله دیگر قابل اثبات است.

واژگان کلیدی: امضا، ثبت، سند، امضای الکترونیک، اراده.

* استاد یار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، قم، تهران.

rajabya@ut.ac.ir

** کارشناسی ارشد حقوق ثبت اسناد و املاک، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، قم، ایران.

parcham133@yahoo.com

مقدمه

امضا از جمله مفاهیمی است که انسان به دلیل استفاده مکرر، آشنایی ناشی از زندگی اجتماعی با آن دارد؛ با این حال، راجع به ماهیت حقوقی امضا، شامل مفهوم و کارکرد و آثار حقوقی که بر جای می‌گذارد، کمتر بحث شده است. این جهل مرکب را شاید بتوان با این ادعا توجیه نمود که فهم عرفی از امضا کفایت می‌کند و حقوق چیزی جدای از این مفهوم عرفی به پیش نمی‌نهد؛ اما در هر حال، چه به دلیل این رویکرد یا به دلایل دیگر، برخی جنبه‌های مهم امضا برای حقوق‌دانان روشن نیست؛ به ویژه این که امروزه با شیوه‌های فنی جدیدی برای امضا روبرو هستیم که همه یا برخی از کارکردهای امضا را دارد. برای مثال در امضای الکترونیکی یا بیومتریک، در اینکه آیا تمام کارکردهای امضا را دارد و از نظر اعتبار با سایر مصادیق امضا در یک درجه است، می‌باید وضعیت به روشنی تبیین شود تا اشخاص استفاده‌کننده، از نقاط منفی و مثبت و مزایا و معایب آن آگاه شوند. اقدام در جهت تبیین وضعیت اعتباری مصادیق امضا موجبات تحکیم و ثبات تعهدات و معاملات را تعبیه کرده و با علم به ارزش هریک از آن‌ها در مقام به کارگیری، کاربران می‌توانند از امضاهایی که از ارزش و پشتوانه حقوقی بالاتری برخوردار است، استفاده نمایند که خود منجر به تسهیل و تسریع در روند معاملات و رشد اقتصادی خواهد شد. میزان اعتبار این تنوع تنها مختص شیوه‌های امضا نیست، بلکه اسناد متعددی نیز وجود دارد که گاهی لازم است امضای ما بر روی آن‌ها نقش بندد. سوال اصلی این است که ارزش و اعتبار امضا به لحاظ کارکرد انحصار و ابراز اراده از چه جایگاهی برخوردار است و آیا نوشته بدون امضا به لحاظ ابزار ابراز اراده حجیت دارد یا به عبارت دیگر، امضا در اسناد طریقیّت دارد یا موضوعیت؟ در این راستا، باید دانست که این امضا چیست و چه کارکردهایی دارد؛ آیا درج آن سبب اثر وضعی است یا اثر تکلیفی را نیز به بار می‌آورد؟ همچنین، اینکه چه چیزی امضا محسوب می‌شود و دیدگاه فقهی و حقوقی در خصوص نوشته و به تبع آن امضا به عنوان علامت بر روی این نوشته از دیگر ضرورت‌های انجام پژوهش حاضر است. از این رو، در این تحقیق سعی داریم تا پس از آشنایی با مفهوم و مصادیق امضا و تفکیک آن از مفاهیم مشابه و بیان کارکردهای مختلف امضا و انواع آن، ضرورت آن در اسناد گوناگون را بررسی نماییم.

۱. مفهوم امضا

در بعضی از مقررات حقوقی که برگرفته از سنت فقهی امامیه است، لفظ امضا به کُرّات به کار رفته است؛ از جمله در مواد ۲۰۹، ۲۴۸ و ۴۵۰ قانون مدنی امضا برای عقد فضولی آمده است؛ که بیشتر ناظر به معنای قصد و رضایت است؛ پس باید گفت که امضا در حقوق سنتی ما به معنای قصد لفظی یا فعلی است. جهت تبیین موضوع، ابتدا به بیان تعریف امضای

سنتی و امضای الکترونیکی پرداخته و سپس تعریف مدنظر در این مقاله، بیان خواهد شد.

۱-۱. امضا سنتی

بعضی امضا را به گونه‌ای تعریف نموده‌اند که تنها به یک کارکرد آن «احراز هویت صاحب علامت» اشاره نموده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰: ۸۱). بر این تعریف به لحاظ عدم بیان سایر کارکردهای امضا که بعداً بیان می‌داریم، خدشه وارد است. کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد، در تعریف امضا بیان می‌دارد: «منظور از امضا، امضا دست‌نویس یا به شکل تصویر یا معادل تصدیق‌شده آن به هر وسیله‌ای است و اصطلاح (امضا مجعول) امضایی است که با استفاده نامشروع از وسیله‌ای شکل گرفته است.»^۱ از نظر فنی، امضای سنتی که معادل فارسی آن «دستینه» است، علامت یا نوشته‌ای است که به صورت دستی و مادی در پایین سند کاغذی نگاشته می‌شود و منحصر در شخصیت امضاکننده بوده و نشانگر قصد اوست؛ بنابراین، امضا علامتی است که نشان از قصد امضاکننده داشته باشد و بتواند سند را به شخص خاصی منتسب نماید.

۲-۱. امضای الکترونیکی

داده‌پیام وقتی سند محسوب می‌شود که دارای امضا باشد؛ در غیر این صورت، اماره‌ای بیش نیست. این امضا ممکن است دارای شرایط قانونی خاص باشد؛ توضیح این‌که داده پیام هنگامی مطمئن است که دارای امضا به معنای قانونی خود باشد و در غیر این صورت، داده پیام عادی است. در هر حال، پرسش اصلی چگونگی امضای داده پیام است؛ امضایی که با نوع سنتی آن تفاوت دارد. امضای داده، در بسیاری از موارد، شباهت چندانی به این امضای سنتی ندارد؛ علاوه بر این که گاهی شیوه امضای داده، با وسایل دیجیتال مربوطه، مثل قلم نوری، شبیه امضای دستی است، در بیشتر موارد، امضای داده ممکن است رمز عددی باشد که امکان ورود به محیط الکترونیکی را فراهم سازد یا شیوه‌ای است که خود داده پیام را رمزدار می‌کند.

امضای الکترونیکی، نوعی رمزگذاری و رمزگشایی است؛ شخص با وارد کردن رمز، وارد فضای مجازی شده و مطالبی را در آن فضا قرار می‌دهد و بدین طریق، مطالب رمزگذاری می‌گردند و هر کس به این مطالب دسترسی یابد، متوجه می‌شود که این مطالب منسوب به چه کسی است. بدین ترتیب، شخصی دیگر، با وارد کردن رمز مربوط به خود و داخل شدن در آن فضای مجازی، می‌تواند مطالب نگارش شده را رمزگشایی کند. امضای الکترونیکی، تنها راه تضمین امنیت داده پیام است (زرگر، ۱۳۸۶: ۱۰۶؛ ملکی و فدوی لجوانی، ۱۳۸۵: ۱۲۰). قانون تجارت الکترونیک در بند «ی» ماده «۲» در تعریف این نوع از امضا

۱. بند «ک» ماده «۵» کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به برات و سفته بین‌المللی مصوب ۹ دسامبر ۱۹۸۸.

مقرر می‌دارد: «امضای الکترونیکی»^۱ عبارت از هر نوع علامت منضم شده یا به نحو منطقی متصل شده به «داده‌پیام» است که برای شناسایی امضاءکننده «داده‌پیام» مورد استفاده قرار می‌گیرد. این تعریف برگرفته از بند الف ماده ۲ قانون نمونه آنسیتال مصوب ۲۰۰۱ است،^۲ با این تفاوت که در قانون اخیرالذکر، تأیید اطلاعات موجود از سوی امضاءکننده نیز بیان شده است ولی در قانون تجارت الکترونیک ایران، تنها به کارکرد تشخیص هویت امضای الکترونیکی اشاره شده است و کارکردهای دیگر از جمله ابراز اراده را ذکر نکرده و بدین لحاظ تعریفی ناقص است (مظاهری و ناظم، ۱۳۸۷: ۴۰). با این حال، در ماده ۷ قانون تجارت الکترونیک، این نوع امضا همسان امضای دست‌نویس معتبر شناخته شده و بدین جهت دارای سایر کارکردهای امضا از جمله ابراز اراده و انتساب نیز می‌باشد.

امضای الکترونیکی مورد پذیرش قوانین و مقررات بین‌المللی از جمله قانون آنسیتال و دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا و نیز مورد تأیید کشورهای پیشرفته‌ای مثل آمریکا، فرانسه و آلمان است و تعاریف مختلفی در مورد آن شده است. برای مثال قانون نمونه دفاتر اسناد رسمی ایالات متحده، در بند ۷ ماده ۱۴، امضای الکترونیکی را به معنای «هر گونه صدا، علامت یا فرآیند الکترونیکی که به مدرک الکترونیکی با در نظر گرفتن شرایط علمی مربوط به آن، الحاق یا با آن همسان گشته و از سوی فردی که قصد پذیرش مدارک را دارد، درج شده یا به امر او و برای او طراحی شده است».^۳ همچنین، قانون یوتا، امضای الکترونیکی را به عنوان «صدا، نماد یا فرایندی الکترونیکی که منطقاً همراه سابقه بوده یا به آن ضمیمه گردیده و به وسیله شخصی که قصد امضای آن سابقه را دارد، اجرا شده و یا مورد پذیرش قرار گرفته باشد».^۴

در مورد اعتبار امضای الکترونیکی بیان شده است، در صورتی که در امضای الکترونیکی، شرایط فنی و قانونی به لحاظ اطمینان و ایمنی و قابلیت انحصار به فرد رعایت شده باشد، اعتباری همسان امضای دست‌نویس و سنتی را خواهد داشت (ناصح و صالی، ۱۳۸۴: ۶۶-۶۷).

با وجود این، برخی، برای امضای الکترونیکی اعتبار مهر را قائل هستند (صادقی نشاط، ۱۳۸۳: ۱۷۰)؛ اما با تصویب ماده ۷ قانون تجارت الکترونیک،^۵ امضای الکترونیکی و دست‌نویس تفاوتی در آثار حقوقی نداشته و ماهیت این امضای الکترونیکی تأثیری در آثار حقوقی آن نخواهد داشت. قلمرو اعتبار و ارزش امضای الکترونیکی به میزانی است که در قوانین و مقررات برخی کشورها، صرف صدور گواهی امضای الکترونیکی از یک مرجع مجاز جهت ثبت سند کافی بوده و نیازی به حضور شخص

1. Electronic Signature.

2. Model Law on Electronic Signature 2001 (MLEs)

3. The Model Notary Act, September 1, 2002 Published As a Public Service by the Notary Association. available at: www.nationalnotary.org

4. Uniform Electronic Transactions Act 1999 (UETA) Section 8 (2)

۵. ماده ۷ قانون تجارت الکترونیک مقرر می‌دارد: «هرگاه قانون وجود امضا را لازم بداند، امضای الکترونیکی مکفی است».

در دفتر اسناد رسمی به جز در موارد مصرح قانونی یا قراردادی نیست (السان، ۱۳۸۳[ب]:۶۵). حال نوبت طرح این سوال است که آیا امضای الکترونیکی را با اوصافی که بیان شد، می‌توان به واقع امضا دانست؟ در ذیل به بررسی آن می‌پردازیم.

۳-۱. مقایسه امضای الکترونیکی با امضای سنتی

تفاوت میان امضای درج شده بر روی کاغذ با امضای الکترونیکی در این است که در مورد نخست، امضا بر روی صفحه کاغذی انجام می‌گیرد و پس از امضا، تمامیت سند حفظ می‌شود، اما در امضای الکترونیکی لزوماً این‌گونه نیست؛ برای مثال، شخص با وارد کردن رمز معین، به یک سایت وارد شده و پس از آن، هر مطلبی که به وسیله او در آن سایت نگارش شود، در واقع دارای امضای اوست، در حالی که وارد کردن رمز ورود به عنوان امضای الکترونیکی، مربوط به زمان پیش از این بوده است؛ بنابراین، امضای الکترونیکی لزوماً در خود متن وجود ندارد. در واقع، امضای الکترونیکی نوعی دستور و ترفند رایانه‌ای است که به اشخاص این امکان را می‌دهد که اسنادی که صرفاً منتسب به آنان است را ایجاد سازند و موجب اطمینان در مخاطبان می‌شود.

امضای دیجیتال از مهم‌ترین و پیشرفته‌ترین نوع امضای الکترونیکی است. این امضا نوعی از فناوری رمزنگاری نامتقارن می‌باشد (خیرخواه، ۱۳۹۰:۲۹) و متشکل از دو کلید عمومی و اختصاصی است که کلید اختصاصی، مخصوص دارنده امضا و کلید عمومی در اختیار مخاطب قرار می‌گیرد که از طریق آن می‌تواند با مراجعه به دفتر صدور گواهی الکترونیکی از هویت امضاکننده اطمینان یابد (زرکلام، ۱۳۸۲:۳۸ و ۴۱). درامضا مزبور، همیشه قابلیت بررسی و تشخیص فرد امضاکننده در دعاوی حقوقی وجود دارد (احمدیان راد، ۱۳۸۸:۹) و از نظر ایمنی، تمامیت داده و استنادپذیری از ارزش بالایی برخوردار است (قاجار قیونلو، ۱۳۷۸:۳۴).

عده‌ای، میان امضای الکترونیک و امضای دیجیتال تفاوت می‌گذارند؛ بدین نحو که امضای دیجیتال، نمودار داده‌ای است که به شکل یک واحد داده، الصاق یا با رمزگذاری منتقل می‌شود، اما امضای الکترونیکی دارای معنای عام‌تری است و شامل مواردی چون امضای دستی اسکن شده یا قلم نوری، کلمه عبور و غیره می‌شود (السان، ۱۳۸۳[ب]:۶۱). با این وجود، به کار بردن هریک از آن‌ها به جای دیگری عرفاً ایرادی ندارد (Digital Signature Guidelines, 1996.p.3). به نظر می‌رسد، می‌توان با تمایز قائل نشدن میان این دو مفهوم، از بروز تشنگ جلودگیری کرد.

نکته قابل توجه در خصوص امضای الکترونیک یا دیجیتال این است که کلیک کردن نماد (موافقم) یا (قبول دارم) در برخی سایت‌های اینترنتی جهت خرید کالا نمی‌تواند نشان امضا باشد، زیرا

پیش از کلیک، اطلاعات شخصی وارد می‌شود و بر اساس این مشخصات قابلیت انتساب پیدا می‌کند در حالی که یکی از کارکردهای امضا، انتساب نوشته به فرد است که در این فرض منتفی است و کلیک، خود خرید است نه تأیید آن چه قبلاً نوشته شده است؛ بنابراین، قابلیت انتساب برای انعقاد قرارداد کافی است (قلی زاده، ۱۳۹۰: ۴۵).

در فرضی که فردی امکان انعقاد قراردادی را در یک پایگاه اینترنتی فراهم کرده، در صورتی که به موجب قانون ملزم به امضا معامله باشد، این تعهد در صورتی محقق می‌شود که قصد قبول تعهد و امضا به اثبات برسد. حتی در صورت نبود چنین الزامی از جانب قانون، تنظیم قرارداد چنین اثبات می‌شود که شخص با رعایت تشریفات مشخص شده در پایگاه اینترنتی، صریحاً قصد التزام خویش را ابراز داشته است. (Hulmark, Ramberg؛ السان، ۱۳۸۵: ۱۷۲).

از مباحث پیشین می‌توان چنین نتیجه گرفت، امضای الکترونیکی بخشی از داده پیام نیست. ممکن است داده پیام را رمزگذاری کند. ممکن است پیش از ایجاد داده در فضایی دیگر انجام شده باشد. اصولاً امضای الکترونیکی وسیله ابراز قصد نیست. در این امضا بیش از قصد، با انتساب سر و کار داریم. با این حال، بر اساس مواد «۶» و «۱۲» قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷، می‌توان امضا الکترونیکی مطمئن را، به دلیل انحصار اعتباری که معادل امضا دارد، به میزان یک امضا معتبر دانست اما برای امضاء الکترونیکی عادی نمی‌توان چنین اعتباری را در نظر گرفت، زیرا دارای قدرت انحصاری بسیار پایینی می‌باشد و اعتباری در حد یک مهر را دارد؛ بنابراین، با توجه به این که امضای الکترونیکی وسیله انحصاری ابراز اراده است و از توانایی انتساب بالایی برخوردار است، امضای الکترونیکی را نیز می‌توان امضا قلمداد نمود.

با عنایت به مباحث فوق، منظور از امضا در پژوهش حاضر، مهر، اثر انگشت و هرگونه علامت مادی فیزیکی یا شناسه الکترونیکی منقش بر نوشته یا داده پیام یا منتسب به آن‌ها که نماینده ابراز اراده انحصاری صاحب آن است. این علامات در توان انحصاری و ظهور اراده در مرتبه مساوی نیستند و هر یک بنا به درجه اطمینان و توان امنیتی، از جایگاه انحصاری متفاوت نسبت به سایرین برخوردار است.

۲. کارکردهای امضا

از نظر اثر حقوقی، «امضایی که در روی نوشته یا سندی باشد بر ضرر امضاکننده دلیل است».^۱ به نظر می‌رسد که هدف از تصویب مقرر فوق این بوده که اهمیت امضا را در همان سال‌های نخستین تصویب قانون مدنی بیان کند. شکی نیست که امضای مدنظر ما نشان دهنده

۱. ماده ۱۳۰۱ قانون مدنی.

اراده طرف است؛ اما آیا می‌توان کارکردهای دیگری را نیز برای آن به رسمیت شناخت؟ چنانکه گفتیم، یکی از کارکردهای آن، اعلام قصد و رضای طرفین به مفاد سند است؛ هرگاه سندی امضا نداشته باشد، تفکیک آن از سایر نوشته‌هایی که در آن اثرگذاری مدنظر نبوده است، دشوار است. امضا نهایی بر متن و پذیرش تمامیت نوشته است و هرگاه چنین نباشد، گویا طرف یا طرفین امضاکننده هنوز به تصمیم نهایی در خصوص مفاد سند نرسیده‌اند (حمیتی واقف، ۱۰۶: ۱۳۸۷). کارکرد دیگری را که می‌توان به امضا منتسب ساخت، انتساب مادی و موضوعی نوشته امضا شده به امضاکننده است؛ که در کنار وجود قصد، انتساب حقوقی نیز تحقق می‌یابد.

در دل انتساب، کارکرد دیگری نیز برای امضا وجود دارد؛ و آن تعیین هویت امضاکننده است. هرگاه با صرف یک امضا رو به رو باشیم، اهمیت این کارکرد بیشتر نمود پیدا می‌کند (زرکلام، ۱۳۷: ۱۳۹۱).

بر این اساس و با توجه به مواد قانونی، می‌توان گفت کارکردهای امضا عبارت است از:

۱. نشان دهنده اراده فرد که بیشتر در اسناد تنظیمی از سوی اشخاص حقیقی در اسناد عادی اهمیت دارد. این که امضا در مقابل مهر، بیشتر در اسناد عادی و مواردی که نیاز به اعلام اراده اشخاص خصوصی است کاربرد دارد؛ اما مهر در اسنادی به کار می‌رود که قرار است اراده اشخاص حقوقی اعلام شود؛ از آنجایی که بیشتر اسناد رسمی را اشخاص حقوقی تنظیم می‌کنند، پس امضا در اسناد عادی کاربرد بیشتری دارد.

۲. صحت انتساب به امضاکننده که در اسناد تنظیمی از سوی دفاتر اسناد رسمی کاربرد دارد.

۳. تعیین کننده هویت امضاکننده که به ویژه در امضاهای الکترونیکی کاربرد دارد.

در این مقاله، به لحاظ اهمیت بالای کارکرد اعلام اراده در حوزه علم حقوق و اینکه کارکرد مزبور حاوی کارکردهای دیگر نیز می‌باشد، تمرکز بحث بر آن است. از این رو، در این قسمت، در ابتدا به ماهیت اعلام اراده از طریق امضا پرداخته و سپس، حجیت نوشته (کتابت) در ابراز اراده از منظر فقه و حقوق و در نهایت، کارکرد امضای الکترونیکی در این خصوص مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۲. ماهیت اعلام اراده از طریق امضا

اراده باطنی، تا وقتی که اعلام نشده و جنبه بیرونی نیافته است، حقوقی نخواهد داشت (کاتوزیان، ۹۱: ۱۳۹۴/۱). یکی از مهم‌ترین کارکردهای امضا، انتساب مفاد سند به امضاکننده است؛ البته لازم به ذکر است که انتساب را به وسیله خط نیز می‌توان دریافت؛ ولی اعلام نهایی اراده از خط بدست نمی‌آید. همچنین، همان‌طور که پیش از این بیان شد، گاه امضا برای تعیین هویت شخص نیز به کار می‌رود. در این موضع، می‌توان گفت که قصد طرف عینیت پیدا می‌کند و از طریق این امضا، هم

می‌توانیم سند را به امضاکننده منتسب کنیم و هم هویت او را شناسایی کنیم و قصد شخص را در قالب یک سند به سایر اشخاص و مراجع قضایی ارائه نماییم. امضایی که در حقوق مدنی آمده، به تنهایی عینیت نمی‌یابد. در واقع، در اینجا امضا بیان لفظی نیست، بلکه لزوماً چیزی است که در کاغذ یا لوح الکترونیک نقش بسته و می‌توانیم در مقابل امضاکننده، آن سند را ارائه دهیم که نشان می‌دهد امضاکننده قصد خود را با امضا بیان کرده است.

از نظر قانونی، نقش قصد در امضا را می‌توان در مواد ۶۳ و ۶۵ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ جست و جو کرد. ماده ۶۵ مقرر می‌دارد: «امضای ثبت سند پس از قرائت آن به توسط طرفین معامله یا وکلای آن‌ها دلیل رضایت آن‌ها خواهد بود». پس چنان‌که مشاهده می‌کنیم در این ماده، امضا به روشنی، نقش رضایت و قصد را دارد. ماده ۶۳ قانون ثبت نیز در اعمال نتایج ماده مذکور، مقرر می‌دارد: «طرفین معامله یا وکلای آن‌ها باید ثبت سند را ملاحظه نموده و مطابقت آن ثبت با اصل سند به توسط مشارالیه‌م و مسئول دفتر ثبت تصدیق گردد. در مورد اسنادی که فقط برای یک طرف ایجاد تعهد می‌نماید تصدیق و امضای طرف متعهد کافی خواهد بود». بخش دوم ماده مزبور، در صدد بیان این مطلب است که چون سند برای یک طرف ایجاد تعهد می‌کند، امضای همان شخص نیز، برای عینیت یافتن قصد کفایت می‌کند. در نتیجه، این ماده نیز مبین نقش امضا به عنوان قصد و رضا است.

۲-۲. حجیت نوشته (کتابت) در ابراز اراده

ممکن است از نظر فقهی ایراد شود که آیا می‌توان اراده را به صورت غیر لفظی بیان کرد؟ به عبارت دیگر، آیا فقه، نوشته را به عنوان یکی از ابزارهای ابراز اراده معتبر می‌دانند؟ بالتبع، این سؤال در عالم حقوق نیز مطرح است. از این رو، در ذیل اعتبار نوشته از دیدگاه فقه و حقوقدانان بررسی می‌شود.

۲-۲-۱. از منظر فقه

در فقه امامیه، برخی، در مورد لزوم استعمال الفاظ در انشای معاملات ادعای اجماع نموده‌اند و معتقدند تنها طریق ابراز اراده، لفظ است (انصاری، ۱۳۷۵: ۹۳). برخی نیز، با استناد به آیه ۲۸۲ سوره بقره امر به کتابت را دال بر وجوب می‌دانند که البته قول به استحباب آن صحیح‌تر است (مغویه، ۱۳۹۱/۱: ۴۴۸؛ مسجد سرایی و نبی‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۸۰). با وجود این، رجوع به کتب فقهی نشان می‌دهد که تأکید فقه بر استعمال الفاظ در معاملات به جهت قداست آن‌ها و اعتقاد به اصل شکلی بودن معاملات و عقود نیست، بلکه به این دلیل است که الفاظ بهترین و ساده‌ترین وسیله ابراز مقاصد و نیات باطنی هستند (قنواتی، ۱۳۸۳: ۱۰۷). از این رو، بحث از شرایط صیغه، منطقی و معقول است؛ زیرا احتمال این که شارع در صیغه بیع شرایطی را برای صحت و لزوم ناشی از آن اعتبار کرده

باشد، وجود دارد که با نبود آن‌ها بیع، فاسد محسوب می‌شود (خمینی، ۱/۲۰۳: ۱۳۶۳). همان‌طور که مشاهده می‌شود، بحث از نوشته به عنوان یکی از ابزار ابراز اراده همواره مورد توجه فقها قرار گرفته و نظرات متفاوتی را بیان داشته‌اند، که در ذیل به ذکر آن‌ها می‌پردازیم.

عدم دلالت بر اباحه و تملیک مگر در فرد ناتوان از تکلم (نظر مشهور) (حلی، ۱۴۰۴ ه.ق.: ۱۲۳؛ کرکی، ۱۲۷۲/۱۰ ه.ق.: ۱۹۰؛ مکارم‌شیرازی، ۱/۱۴۱۳ ه.ق.: ۳۷۱).

صرفاً مفید اباحه است نه تملک (عاملی، ۲/۱۴۱۰ ه.ق.: ۳۵)

نوشته همانند الفاظ وسیله متعارف ابراز اراده است (حلی، ۲/۱۳۸۸ ه.ق.: ۴۵۲)

در برخی عقود و در حالات خاص وسیله اعلام اراده است.

در این وهله، نظر به اهمیت دیدگاه اول، دلایل طرفداران آن را بیان نموده و سپس به نقد آن می‌پردازیم.

دلایل:

- جریان اصل عدم انتقال و فساد در موارد شک و تردید به استناد اصل استصحاب.
- ادعای اجماع بر ضرورت استعمال الفاظ در اعلام اراده.
- ناتوانی نوشته از بیان مقاصد باطنی.
- ناسازگاری اعتماد به نوشته در معاملات که وسیله‌ای روشن برای ابراز اراده نیست با حفظ نظام و احتراز از نزاع به عنوان مقاصد شارع.
- انحصار وسیله متعارف اراده به الفاظ در برخی روایات مانند: «انما یحلل الکلام و یحرّم الکلام».
- بدین لحاظ عدم صلاحیت نوشته جهت اعلام اراده اثبات شده است؛ اما این نظر خالی از اشکال نیست. به ترتیب به اشکالات استدلالات مزبور اشاره می‌نماییم.
- با وجود اصل لفظی اطلاق و عموم، مجرای برای جریان اصل عملی باقی نمی‌ماند.
- اجماع مدرکی حجیت ندارد، زیرا یا به استناد ادله لفظی موجود یا حداقل احتمال استناد در آن وجود دارد.
- دلالت نوشته بر قصد در علم اصول ثابت شده ظواهر قرآن و سنت حجت‌اند و حتی در برخی موارد دلالت آن بیش از لفظ است.
- انشا از طریق کتابت مانع بروز نزاع است نه سبب آن.
- سندیت روایت مزبور ضعیف است و نیز از نظر دلالت احتمالات مختلفی وجود دارد (قنواتی و دیگران، ۱۳۷۹: ۲۸۴ و ۲۸۵).

بنابراین، هر عقدی که به وسیله‌ای متعارف از جمله نوشته ابراز شده و مشمول اطلاعات و عموماً شود، معتبر است و آثار حقوقی خاص آن جریان می‌یابد (بحرانی، ۱۸/ ۱۴۰۵ ه.ق: ۳۴۸؛ مقدس اردبیلی، ۸/ ۱۴۰۷ ه.ق: ۱۳۹؛ فیض کاشانی، ۳/ ۱۴۰۱ ه.ق: ۴۸).

۲-۲-۲. از منظر حقوق

به نظر ایشان، سازنده عقد اراده است؛ اما این اراده بایستی به وسیله‌ای ابراز شود که دلالت بر آن کند؛^۱ یعنی، ایجاب و قبول اسم مکشوف به کاشف است، نه خود کاشف که صورت است و لباسی است بر تن رضا (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۴۶۷). حال باید دانست که وسیله ابراز اراده لفظ شفاهی است یا اینکه هر وسیله دیگر نیز می‌تواند برای این هدف به کار رود. قدما برای لفظ موضوعیت قایل بودند و سعی کرده‌اند این قراردادها را تابع معاطات بدانند (شهیدی، ۱۳۹۲: ۱۴۳). ایشان، هر جا از عقد صحبت می‌کنند، معاطات را خارج می‌دانند و ایجاب و قبول را مختص عقد می‌دانند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰: ۱۰۲). در حقیقت، در دوره نخست، ایجاب و قبول نه تنها به لفظ که بایستی به لفظ خاص هر عقد (صیغه) بیان می‌شد؛ اما جواهرالکلام قایل به بیان رضا با هر لفظ، با استناد به عملکرد مسلمانان دنیا شد و ایجاب و قبول غیر لفظی را پذیرفت (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰: ۹۹-۱۰۰). از آنجایی که ایجاب و قبول از مقوله الزام و التزام است، نه الفاظ و این دو، سبب پیدایی آثار عقد هستند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۴۶۷). امروزه، حقوق ایران، جنس کاشف اراده را معین نکرده، اما کاشف لفظی را به عنوان اصل قبول کرده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰: ۹۸). پس قانون مدنی صراحتاً ابراز اراده را با هر عملی که حاکی از قصد باشد، به رسمیت شناخته است؛ در حقیقت، آن چه مهم است، ایجاب و قبول صریح در معنی باشد و مقصود مورد نظر را به روشنی معلوم کند (شیروی، ۱۳۹۶: ۷۴)؛ بنابراین، همانند حقوق فرانسه، حقوق ایران در ماده ۱۹۲ قانون مدنی، ابراز اراده را محدود به مواردی نکرده که امکان ابراز اراده لفظی، نباشد (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۲۵۸؛ شهیدی، ۱۳۸۲: ۱۴۴). پس هدف آن است که موجب اراده خود را از عالم امکان به عالم وجود آورد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۴۶۶). حال، چه ایجاب صریح باشد یا ضمنی، لفظی باشد یا کتبی یا این که با سکوت باشد.

۲-۳. کارکرد امضای الکترونیکی در اعلام اراده

امضا در اسناد عادی دو کارکرد دارد؛ نخست، انتساب سند به شخص و دیگری، اعلام اراده‌ی او مبنی بر پذیرش مفاد سند که بیانگر قصد او می‌باشد. امضا کردن نوعی عمل حقوقی است که به موجب آن، شخص مفاد سند را پذیرفته یا تأیید و تصدیق می‌نماید. علاوه بر این موارد، امضا در سند

۱. ماده ۱۹۱ قانون مدنی.

رسمی بیانگر رعایت تشریفات تنظیم سند است. روش‌های دیگری وجود دارد که اعلام قصد شخص و فراهم ساختن امکان انتساب به وی از طریق آن‌ها محقق می‌شود و کارکردی شبیه امضا دارند که در این زمینه می‌توان مهر و اثر انگشت را نام برد.

بنابراین، نخستین کارکرد امضا این است که قصد شخص را روشن و آشکار می‌سازد. کارکرد دیگر آن، این است که سند را به شخصی خاص منتسب می‌کند. در مورد قصد، مواد ۶۳ و ۶۵ قانون ثبت مصوب ۱۳۱۰ بیش از هر چیز به این کارکرد امضا توجه دارند. ماده ۶۵ قانون یاد شده مقرر می‌دارد: «امضای ثبت سند پس از قرائت آن به توسط طرفین معامله یا وکلای آنان، دلیل رضایت آن‌ها خواهد بود.»

اگر سند عادی باشد، کارکرد نخست امضا که همان احراز قصد امضاکننده است، بیش از کارکرد دیگر آن مورد توجه است و اگر سند رسمی باشد، ایجاد قابلیت انتساب سند، اهمیت افزون‌تری نسبت به دیگر کارکرد امضا می‌یابد.

تشخیص هویت شخص امضاکننده، کارکرد سوم است که برای امضا ذکر کرده‌اند. شاید بتوان کارکرد نخست «احراز قصد» را در این مورد نیز یافت، هویت مفهومی گسترده‌تر از انتساب دارد. بدین معنا که امضا علاوه بر انتساب امضا به شخص معین، بیانگر شخصیت امضاکننده نیز می‌باشد. به عبارت دیگر، کسانی که در زمینه امضای الکترونیکی صاحب‌نظر هستند، کارکرد دیگری که همان احراز هویت شخص است را به کارکردهای دیگر امضا می‌افزایند. با این وجود، انحصار ابراز اراده در قالب داده مربوط به شخص خاص، در امضای داده‌پیام، کفایت از اعلام قصد و انتساب می‌کند.

امضا در اسناد کاغذی جزئی از سند است، اما امضا در اسناد الکترونیکی الزامی ندارد که جزئی از داده باشد، بلکه ممکن است به اشکال دیگری از قبیل تغییر داده، رمزنگاری و غیره نمود پیدا کند. از لحاظ حقوقی، امضا در اسناد الکترونیکی، همان نقش امضا در اسناد عادی را بازی نمی‌کند، کارکردهای دیگری نیز دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به حفظ انسجام و نظم متن داده پیام، امکان اعتبارسنجی کالا مثل تشخیص اصالت نرم افزار و غیره اشاره کرد. مهم‌ترین کارکرد امضای الکترونیکی، ایجاد ساز و کار تصدیق امضا است، بدین معنا که متنی به صورت داده پیام نوشته شده و سپس، یک نهاد تصدیق‌کننده، تأیید می‌نماید که این داده پیام توسط شخص معین نوشته شده و سپس، آن را برای شخص گیرنده ارسال می‌نماید که در واقع انتساب و به تبع آن اعلام انحصاری ابراز اراده فرد است.

۳. مصادیق امضا

مفهوم امضا برحسب تعریفی که از آن شد، می‌تواند بر مصادیق مختلفی دلالت کند. در ذیل، این مصادیق بیان خواهد شد.

۳-۱. دستی

آنچه در ابتدا به ذهن متبادر می‌گردد، ابتدایی‌ترین و عادی‌ترین نوع امضا است که فرد با قدرت دست خویش، علامت یا نوشته‌ای را بر روی کاغذ نقش می‌نهد و مشهور به امضای دستی است.

دو نوع امضای دستی وجود دارد:

الف. به صورت علامت: همانند آنچه در عرف جامعه ما مرسوم است و ممکن است شکلی باشد که مفهومی را در بر دارد یا شکلی نامفهوم باشد؛

ب. به صورت نوشته یا حرف: مثل نام و نام خانوادگی؛ در بسیاری از کشورها، وجود اسم در ذیل سند، عرفاً به منزله امضا تلقی می‌شود.

از ویژگی‌های این امضا، انتساب آن به حالات روحی و روانی امضاکننده است. به این شرح که امضا به عقیده بسیاری از روان‌شناسان، نشانه شخصیت و حالت درونی افراد می‌باشد به گونه‌ای که از طریق بررسی میزان فشار بر روی کاغذ و نوع شکل امضا (دایره‌ای، مربعی، خط)، می‌توان به نوع شخصیت درونی افراد دست یافت؛ به همین جهت، جعلی بودن آن قابل شناسایی است؛ زیرا، امضا بستگی به شخصیت فرد دارد و این شخصیت قابل شناسایی است.

سوالی که قابل طرح است این است که آیا می‌بایست امضا باید صرفاً به وسیله خودکار و خودنویس مستقیماً شکل بگیرد یا می‌توان با قرار دادن کاربن بین کاغذهای متعدد یکبار امضا کرد و همان امضا را در چندین کاغذ کپی نمود و به امضاهای کپی شده، اعتبار امضاء اصلی را داد؟

رویه قضایی ثابتی در این زمینه وجود ندارد اما به نظر می‌رسد که اعتبار امضای اول همانند امضای دوم و سوم و غیره است و نیاز ندارد همه کاغذها را مستقیماً و مستقلاً امضا کرد و می‌تواند به وسیله کپی در نسخه‌های قراردادی نقش بندد و محصول مستقیم دست امضاکننده نباشد (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ۳۱۷).

علاماتی که افراد بر روی مفاد نوشته‌ها برای اعتبار آن می‌گذارند، امضاء دستی محسوب نمی‌شود؛ ولی همان کارکرد را دارد و از مصادیق آن است؛ مثل مهری که در کنار امضا قرار می‌گیرد و ارزش معادل امضا را دارد.

۳-۲. مهر

در عرف، لفظ «امضا» به مهر اطلاق نمی‌شود و با هم متفاوت هستند (فخاری، ۱۳۶۸: ۱۱۱). با وجود این، طبق مباحث پیشین، به لحاظ کارکرد اعلام اراده و به جهت اینکه مانند امضا علامت ابراز قصد است، می‌تواند به لحاظ این اثر مهم حقوقی، مشمول عنوان امضا گردد. همان‌گونه که گاه در قانون در کنار امضا قرار می‌گیرد و دارای کارکرد یکسان هستند. در قانون می‌توان مهر را مربوط به اشخاص حقیقی یا حقوقی یافت اما بیشتر برای اشخاص حقوقی کاربرد دارد؛ قانون‌گذار هم برای استفاده از مهر بیشتر به این اشخاص نظر داشته‌است. در ماده ۷۶ قانون ثبت: «از مهر برای مأمور رسمی استفاده کرده و می‌گوید مسئول دفتر پس از تصدیق تاریخ تسلیم، نمره ترتیبی را تعیین و پاکت یا لفاف را به مهر اداره ثبت اسناد رسانیده ...». در واقع نقش مهر در اشخاص حقوقی به معنای تأیید امضای صاحب امضای مجاز است. به عبارت دیگر، با امضای مدیرعامل، اشخاص ثالث پی به صحت آن نمی‌برند، جز این‌که مرجع رسمی آن شخص حقوقی (مثل دبیرخانه) آن را گواهی نماید. با این حال، در برخی اسناد تجاری مانند چک، در صورتی که صاحب امضای شخص حقوقی، چک را امضا کند اما مهر مخصوص را بر آن درج ننماید، بانک نمی‌تواند بدین جهت از پرداخت وجه چک به دارنده امتناع کند، زیرا ماده ۳۱۱ قانون تجارت، فقط امضا را برای صدور چک کافی می‌داند؛ اما شخص صاحب امضا به جهت عدم انعقاد مهر در چک در روابط داخلی شرکت مسئول شناخته می‌شود (صقری، ۱۳۸۰: ۵۰).

مهر اشخاص حقیقی بطور استثنا بیان شده است و از جهت اعتبار مهر هم نبوده بلکه قصدش تأیید عرف جامعه است؛ برای نمونه، در ماده ۱۰۶ قانون ثبت «در مورد وراثتی که با علم به انتقال ملک از طرف مورث یا به نحوی از انحاء سلب مالکیت از مورث او شده تقاضای ثبت سند مالکیت آن ملک را به اسم خود دارد ...». باید علم وارث به وسیله امضا یا مهر و یا نوشته به خط او محرز شود. بند ۲ ماده ۱۲۹۱ نیز بیان می‌دارد: «هرگاه در محکمه ثابت شود که سند مزبور را طرفی که آن را تکذیب یا تردید کرده است فی الواقع امضا یا مهر کرده است».

۳-۳. مهرامضا

در کنار مهر و امضا، مفهومی به نام مهرامضا وجود دارد؛ امضایی که به صورت مهر درآمده است. حال، ممکن است امکان طرح این پرسش در مورد ماهیت مهرامضا وجود دارد که آیا مهرامضا را می‌بایست امضا تلقی نمود یا نوعی مهر محسوب می‌شود؟ این شبهه در موردی است که فرد امضاء خود را به صورت مهر حک می‌کند. در پاسخ به سوال مذکور می‌توان گفت، مهر امضا، اعتبار مهر را دارد، زیرا همانند مهر قابلیت جعل را داشته و جعل آن از امضا نیز راحت‌تر است. البته، پیش از این

بیان شد، مفهوم امضا شامل مهر نیز می‌شود اما ممکن است از جهت اعتبار و ارزش انحصار به شخص، مصادیق امضا دارای درجات مختلفی باشند.

۳-۴. اثر انگشت

در مورد اثر انگشت رویکردی وجود دارد که آن را انحصاری‌ترین علامت فرد می‌داند و قابلیت جایگزینی آن به جای امضا را به صورت عام پذیرفته است اما در مقابل برخی نیز معادل امضا بودن اثر انگشت را نظری و موردی دانسته و تجویز عمومی استفاده از آن به جای امضا را صحیح نمی‌دانند (پورارشد، ۱۳۹۰: ۷۸ و ۷۹). به نظر می‌رسد هر جا از امضا سخن به میان آمده می‌توان در معنای عام آن را شامل اثر انگشت نیز دانست و با عنایت به تعریف امضا، اثر انگشت نیز مشمول این عنوان است. رویه موجود در دفاتر اسناد رسمی نیز بدین گونه است که از اثر انگشت جهت انعقاد و ثبت اسناد رسمی بهره می‌گیرند.

۳-۵. امضاهای بیومتریک

امضاهای بیومتریک، از جمله امضاهایی است که در حال حاضر متداول می‌باشد. این گونه امضا که از جمله آن‌ها امضاهای چشمی‌اند، مبتنی بر ویژگی‌ها و معرف‌های زیست‌شناختی و فیزیولوژیکی شخص است که به لحاظ انحصاریت آن به فرد از اعتبار بالایی برخوردار است. با این وجود، تغییر آن بر اثر عواملی چون افزایش سن و بیماری از معضلات استفاده از این نوع امضاها است (Kelamn. Chissick, 2002, p.182). از جمله ویژگی‌های مهم امضا، تأثیر مسایل موضوعی و فنی در احکام آن است؛ به عبارت دیگر، اگر چه در این مورد حکم قانونی خاصی وجود ندارد، بر اساس عرف، هر چه امضا منحصرتر و شخصی‌تر باشد، دارای اعتبار بیشتری خواهد بود، زیرا می‌بایست وسیله انحصاری ابراز اراده در سند باشد.

۴. ضرورت امضا

همانطور که پیش از این بیان شد، یکی از کارکردهای امضا، اعلام نهایی و قطعی اراده است؛ بنابراین، نمی‌توان الزامی را برای آن شناخت. به عبارت دیگر، اشخاص عادی تکلیفی ندارند که سندی را امضا کنند و حتی این الزام را برای مأموران رسمی یا کارمندان دولت نیز نمی‌توان بار کرد؛ زیرا امضا امری وابسته به اراده و خواست شخص صاحب امضا می‌باشد. در نتیجه، از نظر قانون امضا اثر تکلیفی ندارد؛ اما باید ببینیم که اثر وضعی آن چیست؟ بنابراین، مسأله این است که آیا درج یا عدم درج امضا درباره دلیل بودن یا سندیت متن چه اثری دارد؟ آیا اثر آن بطلان است؟ برای تنقیح بیشتر بحث و جلوگیری از ایجاد مباحث غیر ضروری در پاسخ به سوالات فوق، آن چه می‌خواهیم بدانیم این است که امضا در اسناد عادی موضوعیت دارد یا طریقیست؟

برخی معتقدند هرگاه سندی قابل انتساب به شخص باشد، علیه او معتبر است هرچند آن را امضا نکرده باشد و هرگاه قابلیت انتساب وجود داشته باشد، نیازی به اعلام اراده نیست. برای مثال نامه‌ای که به دست خط شخص نوشته شده ولی امضا نشده، از طریق خط قابلیت انتساب را دارد (قلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۴۵ و ۵۰)؛ زیرا یکی از انتظاراتی که از دست خط می‌رود، انتساب نوشته به شخص معین است (کی‌نیا، ۱۳۸۰: ۱۶). در حالی که این واضح و مبرهن است که صرف نوشته اگرچه ممکن است قابل انتساب به شخص کاتب باشد اما نمی‌تواند نمایانگر ابراز قصد جدی شخص نویسنده که حایز اثر حقوقی است، باشد.

امضا یکی از عناصر اصلی تشکیل‌دهنده صورت یک سند معتبر است (قاجاریونلو، ۱۳۸۶: ۴). نوشته در صورتی قابل استناد است که امضا شده باشد و مفاد ماده ۶۵ قانون ثبت مصوب ۱۳۱۰ بر فقدان اعتبار و اثر حقوقی سند ثبت شده در صورت عدم امضا دلالت دارد (رضایی، ۱۳۹۰: ۹۱). با امضا در پای نوشته امضاکننده هویت خود را به عنوان نویسنده مشخص می‌کند، جامعیت سند را تأیید نموده و بیان می‌دارد که به محتویات آن متعهد است. امضا باید منحصر به فرد بوده و تنها به وسیله شخصی که سند را امضا کرده قابل تولید باشد. درواقع، امضای دستی قفل محتوای سند کاغذی است (باقرزاده و سلیمانی، ۱۳۸۸: ۱۲).

در قوانین بین‌المللی، تنظیم‌کننده برات ملزم به امضا آن بوده^۱ و ضمانت اجرای عدم امضا، بی‌اعتباری برات است.^۲ قانون‌گذار ایران، ازطرفی، هرچند لزوم امضا یا مهر در سفته^۳ و برات^۴ و نیز ضرورت امضا در چک و عدم اعتبار مهر در آن^۵ را پذیرفته، اما ضمانت اجرایی در صورت تخلف از آن معین ننموده است و برخی بر این باورند که مقررات مزبور نیازمند اصلاح هستند (عرفانی، ۱۳۸۸: ۳۵) و بعضی دیگر، عدم تصریح ضمانت اجرای آن را چنین بیان می‌دارند که تا سند امضا نشود تعهدی به وجود نمی‌آید تا شرایطی برای آن ذکر شود (ستوده تهرانی، ۱۳۷۵: ۳۰/۳). از طرف دیگر، سند بودن برات، سفته و نوشته بودن چک مورد تأیید است.^۶ در بادی امر، چنین به ذهن متبادر می‌شود که در نظر نگرفتن ضمانت اجرا برای عدم قید امضا، نشان دهنده عدم رکنیت آن است؛ اما به نظر می‌رسد اعلام نظر نهایی در این مورد نیازمند مذاقه بیشتر است. «سند نوشته‌ای است که در

۱. بند ۸ ماده ۱ کنوانسیون مصوب ۷ ژوئن ۱۹۳۰ ژنو.

۲. صدر ماده ۲ کنوانسیون مصوب ۷ ژوئن ۱۹۳۰ ژنو.

۳. ماده ۲۲۳ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱.

۴. ماده ۳۰۸ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱.

۵. ماده ۳۱۱ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱.

۶. مواد ۲۲۳ و ۳۰۷ و ۳۱۰ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱.

مقام دعوا یا دفاع قابل استناد باشد».^۱ برخلاف نظر کسانی که قائل به وجود دور بین دو لفظ «سند» و «قابلیت استناد» هستند (میرشکاری، ۱۳۸۱: ۵۳)، در تعریف مزبور، لفظ «قابل استناد» صفت لفظ «نوشته» قرار گرفته است، بدین معنا که قابلیت استناد می‌بایست از محل نوشته استخراج گردد. در واقع، اگر بخواهیم نوشته بدون امضا را سند و مفاد آن را اصل بدانیم (حمیتی واقف، ۱۳۸۷، صص ۱۰۶ و ۱۰۷)، نتیجه و اثری را به جهت عدم قابلیت استناد نمی‌توان بر آن بار کرد. فلذا، بهتر است بیان داریم که اگر نوشته‌ای فاقد امضا باشد، طبق تعریف مزبور قابلیت استناد نداشته و مشمول تعریف سند نخواهد شد؛ بنابراین، در این فرض، به جهت این‌که این نوشته مشمول عنوان سند نمی‌شود، بدیهی است که ضرورتی بر تعیین ضمانت اجرایی چون «از بین رفتن وصف تجاری نوشته» باقی نمی‌ماند و نوشته مزبور، سند تلقی نمی‌شود تا مشمول عنوان سفته، برات یا چک شود و بالتبع، برای آن تعیین ضمانت اجرا لازم باشد. امکان طرح این ایراد وجود دارد که قابلیت استناد می‌تواند به وسیله شهادت، اقرار و سایر دلایل اثباتی احراز شود و لزوماً نیازی به وجود امضا نیست. در پاسخ آن می‌بایست بیان شود که در این صورت، هر چند موضوع می‌تواند اثبات شود اما این احراز، ناشی از سند کتبی نیست بلکه مستند به سایر ادله اثبات دعوا خواهد بود. لفظ «کتبی» مذکور در بند ۲ ماده ۱۲۸۵ قانون مدنی و نیز اصول کلی حقوقی و عرف مسلم، رکن بودن و موضوعیت داشتن امضا در سند را تأیید می‌کند. حتی نامه‌ها و مکاتبات خصوصی چنان‌چه ممضی به امضا بوده و ابراز شده باشد، سند محسوب می‌شود (حسینی نژاد، ۱۳۸۰: ۶۹؛ صمدانی، ۱۳۹۰: ۱۵۴). با این وجود، در برخی موارد خاص مثل دفاتر تجاری^۲ و نیز اعتبار نوشته‌های بی‌امضا در حاشیه و ذیل و ظهر سندی که در دست ابرازکننده است.^۳ قانون‌گذار نوشته بی‌امضا را معتبر دانسته است؛ که در ذیل به تبیین آن‌ها و سایر مقررات مربوطه می‌پردازیم.

در مورد اهمیت امضا به جهت سندیت، بهتر است ابتدا به ماده ۱۲۹۳ قانون مدنی رجوع کنیم: «هر گاه سندی به وسیله یکی از مأمورین رسمی تنظیم اسناد تهیه شده، لیکن مأمور صلاحیت تنظیم آن سند را نداشته و یا رعایت ترتیبات مقرر قانونی را در تنظیم سند نکرده باشد، سند مزبور در صورتی که دارای امضا یا مهر طرف باشد عادی است». چنان‌که ملاحظه می‌گردد، شرط سند محسوب شدن، وجود مهر یا امضا است که اگر چنین نباشد، این‌گونه سند، فاقد اثر شناخته شده در قانون برای اسناد است.

۱. ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی.

۲. ماده ۱۲۹۷ و ۱۲۹۸ قانون مدنی.

۳. ماده ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ قانون مدنی.

به ماده ۱۳۰۳ قانون یاد شده مراجعه می‌کنیم، در این ماده آمده است: «در صورتی که بطلان مندرجات مذکوره در ماده قبل ممضی به امضاء طرف بوده یا طرف بطلان آن را قبول کند یا آن که بطلان آن در محکمه ثابت شود مندرجات مزبوره بلااثر خواهد بود». طبق این ماده اگر طرف بطلان را قبول کند، بطلان به دلیل اقرار است و اگر در محکمه اثبات شود به دلیل اعتبار حکم دادگاه است؛ اما در کنار این موارد شرط اعتبار سند را امضا دانسته است، بدین معنا که سند بدون امضا معتبر نخواهد بود و اثری ندارد. (ماده ۱۳۰۳ ناظر بر ماده ۱۳۰۲ می‌باشد). مطابق این ماده، اگر سند امضا نداشته باشد، دلیل نیست؛ به عبارت دیگر، اگر سند امضا داشته باشد، سندیت دارد و اگر امضا نداشته باشد، سندیت ندارد و می‌بایست اعتبار آن به نحو دیگری مثل اقرار یا حکم دادگاه ثابت شود که در صورت اخیر، اعتبار و دلیل بودن آن ناشی از اقرار یا حکم دادگاه است نه به عنوان یک سند کتبی.

ماده ۱۳۰۲ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هر گاه در ذیل یا حاشیه یا ظهر سندی که در دست ابرازکننده بوده مندرجاتی باشد که حکایت از بی‌اعتباری یا از اعتبار افتادن تمام یا قسمتی از مفاد سند نماید مندرجات مزبوره معتبر محسوب است اگر چه تاریخ و امضا نداشته باشد و یا به واسطه خط کشیدن و یا نحو دیگر باطل شده باشد»؛ بنابراین، اگر فردی سندی ابراز کند و در حاشیه آن سند، مندرجاتی وجود داشته باشد که حاکی از بی‌اعتباری تمام یا قسمتی از مفاد سند باشد، آن مندرجات معتبر است، اگر چه امضا نداشته باشد. برای مثال، فردی سندی ارائه می‌دهد که نشان‌دهنده طلب او از شخص دیگری است و این سند دارای امضا است، اما حاشیه‌هایی دارد که متعارض مفهوم اصلی سند است و بدون امضا است. قانون‌گذار در این مورد، چنین تعیین تکلیف می‌کند که آن مندرجات حاشیه‌ای اگر دارای امضا هم نباشد، سندیت دارد.

آیا بر اساس این ماده می‌توان گفت که امضا موضوعیت ندارد و طریقت دارد؟ به نظر می‌رسد، اعتبار مطالب حاشیه‌ای به دلیل امضا یا عدم امضا نیست، فردی که نوشته اصلی سند به نفع اوست و آن سند را ارائه می‌دهد، در واقع، مطالب حاشیه‌ای مخالف نفع اوست و به همین جهت، نوعی اقرار محسوب می‌شود. اعتبار این گونه ارائه سند که نوعی اقرار است، به اندازه‌ای بالاست که مفاد اصلی سند را نامعتبر می‌کند. به سخن دیگر، حاشیه سند اعتبارش را از امضای ذیل سند نمی‌گیرد و طبق یک قاعده کلی، حاشیه‌ها معتبر نیستند، بلکه سندیت حاشیه، از ابرازکننده آن اخذ می‌گردد، زیرا حاشیه ذیل سند، اقرار محسوب می‌گردد.

به ماده ۱۳۰۴ قانون مدنی مراجعه می‌کنیم: «هر گاه امضای تعهدی در خود تعهد نامه نشده و در نوشته علی حده شده باشد، آن تعهدنامه علیه امضاکننده دلیل است؛ در صورتی که در نوشته مصرح

باشد که به کدام تعهد یا معامله مربوط است». پس تعهدنامه بدون امضا ارائه می‌شود و نوشته دیگری نیز ارائه می‌شود که دارای امضا مربوط به همان تعهدنامه است. در صورتی که در نوشته مصرح باشد که مربوط به کدام تعهد یا معامله است، آن تعهدنامه بدون امضا علیه امضاکننده نوشته دیگر، دلیل است. در این فرض، قانون‌گذار به نوشته‌ای اهمیت داده است که فاقد امضا است، اما باید به این نکته توجه گردد که در فرض مذکور، دو نوشته وجود دارد و در نوشته‌ای که دارای امضا است، اشاره و تصریح به نوشته بدون امضا شده و بدین صورت، آن نوشته را هم معتبر ساخته است. به عبارت دیگر، اگر سندی امضا نداشته باشد و در سند دیگری که دارای امضا است، به آن استناد شود و مورد قبول واقع شود، آن سند معتبر است. در واقع، در فرض بیان شده در ماده مزبور، نوشته بی امضا در حکم نوشته با امضا تلقی شده است، زیرا با تصریح به سند امضا نشده، گویی مفاد آن در سندی که ممضی به امضای طرفین است، قرار گرفته و اثر حقوقی امضا که ابراز اراده است نسبت به نوشته بی امضا به جهت انتساب سند بی امضا از طریق قید در سند با امضا مورد قصد قرار گرفته است. چنین حالتی در خصوص اعتبار حقوقی حکومت عرف نیز صادق است بدین توضیح که عرف و عادت هر چند مورد تصریح قرار نگیرد باز هم متعاملین ملزم به نتایج حاصل از آن خواهند بود.^۱ در نتیجه، در ما نحن فیه که مفاد سند بی امضا مورد امضای طرفین قرار گرفته، به طریق اولی دارای اعتبار حقوقی است.

در مواد ۱۰۶ قانون ثبت و بند ۲ ماده ۱۲۹۱ قانون مدنی، از این جهت که مهر در کنار امضا آمده، بدل امضا شناخته شده است که همان‌طور که بیان شد، مهر نیز از مصادیق امضا محسوب شده و مواد مزبور نیز مؤید این امر است.

طبق قانون تجارت و قانون مدنی، دفاتر تجاری تجار علیه خودشان سند محسوب می‌شوند، بدین معنا که دفاتر تجاری تجار، با وجود این که امضاء تاجر را ندارند، جزء اسناد عادی محسوب می‌شود. آیا در مورد دفاتر مزبور هم می‌توانیم بگوییم امضا رکن سند عادی است؟ مأمور دادگستری قبلاً این دفاتر را امضا می‌کند، یعنی به صورت سندی سفید امضا در دست تاجر هستند و قانون به اعتبار مأموران دولتی به دفاتر تجاری اعتبار بخشیده است اما دفاتر تجاری امضای تاجر را ندارد ولی علیه تاجر قابلیت استناد دارد. در این موارد نیز، به جهت اماره ناشی از محل وقوع نوشته، سند امضا شده تلقی می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۲۸۰). در واقع، به جهت وضعیت اعتباری تأمین شده توسط مأموران دولتی برای دفاتر تجاری، هنگامی که تاجر متنی را در آن می‌نگارد گویی در فضایی همچون فضای

۱. ماده ۲۲۰ قانون مدنی: «عقودنه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده است ملزم می‌نماید بلکه متعاملین به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می‌شود ملزم می‌باشند».

امضای الکتریکی و محیط اختصاصی شخص نگارنده است که هر نوشته به محض نگارش، ممضی به امضای او می‌شود. همچنین، فرض اراده غیرجدی نیز به جهت تمهیدات و تشریفات تنظیم دفتر توسط مأموران دولتی، محلی از اعراب ندارد.

از این رو، امضا در اسناد رکنیت و موضوعیت دارد. البته باید توجه داشت گاهی می‌خواهیم نوشته بدون امضا را «سند» بدانیم و گاهی می‌خواهیم آن را «دلیل» بدانیم؛ در مورد دلیل دانستن نوشته بدون امضا شکی نیست؛ در واقع می‌توان آن را اماره دانست و یا با سایر ادله اثبات دعوا آن را اثبات کرد؛ اما در مورد این‌که آیا سندیت آن، بدون این‌که متکی به دلیل دیگر باشد، نیازمند امضا است یا حتی اگر امضایی نداشته باشد، می‌توان آن را سند دانست، بدین نتیجه رسیدیم که سند بدون امضا فاقد اعتبار حقوقی است.

نتیجه

منظور از امضا، مهر، اثر انگشت و هرگونه علامت مادی فیزیکی یا شناسه الکترونیکی منقش بر نوشته یا داده پیام یا منتسب به آن‌ها که نماینده ابراز اراده انحصاری صاحب آن است. این علامات در توان انحصاری و ظهور اراده با هم در مرتبه مساوی نیستند و هریک بنا به درجه اطمینان و توان امنیتی، از جایگاه انحصاری متفاوت نسبت به سایرین برخوردار است. به تبع همین تعریف، مصادیق امضا گونه‌های متفاوتی از علامات یا نشانه‌های منقش بر نوشته یا منتسب به نوشته را در بر می‌گیرد. امضا سه کارکرد انتساب به شخص، تعیین هویت و اعلام اراده را دارد که به لحاظ اثر حقوقی، کارکرد اعلام قصد و اراده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هر چند از نظر فقهی بر اعلام اراده از طریق لفظ بیش از کتابت تأکید شده اما این بدان جهت است که لفظ بارزترین وسیله ابراز اراده است و این رویکرد، با اعتبار نوشته (کتابت) به منظور اعلام اراده منافاتی ندارد. امضا رکن سند محسوب شده و بدون آن سندیت نوشته مخدوش می‌شود، هر چند می‌توان مفاد آن را بر اساس سایر ادله اثبات کرد اما بدون امضا نمی‌توان به آن به عنوان یک سند کتبی استناد کرد و بنابراین، امضا در اعتبار اسناد موضوعیت دارد. الزام بر امضای برات به عنوان یک نوشته مویدی بر رکنیت آن است و قرارگرفتن قابلیت استناد به عنوان وصف نوشته در تعریف سند در قانون مدنی این دیدگاه را تقویت می‌نماید که می‌بایست قابلیت استناد از خود نوشته که در واقع همان امضا است استخراج شود. با این وجود، در برخی موارد خاص، ظاهر امر این است که قانون‌گذار نوشته بی‌امضا را معتبر دانسته است. در مورد دفاتر تجاری به جهت اماره ناشی از محل وقوع نوشته، سند امضا شده تلقی شده زیرا گویی در فضایی مثل فضای امضای الکترونیک که توسط مأمور رسمی ایجاد می‌شود، هر چیز که بنویسد ممضی به امضای او محسوب می‌شود. در مورد حاشیه‌های سند نیز به لحاظ این که نوعی اقرار است می‌توان به

آن استناد کرد و اعتبار خود را از امضای سند نمی‌گیرد. همچنین اگر سندی امضا نداشته باشد و در سند دیگری که دارای امضا است، به آن استناد شود و مورد قبول واقع شود، آن سند معتبر است زیرا گویی که آن مفاد درنوشته با امضا قید گردیده، همانطور که تسری حکومت عرف بر مفاد عقود چنین حالتی دارد. در نتیجه موارد مزبور نیز بر رکنیت امضا در اسناد خدشه وارد نمی‌کند.

منابع

فارسی

- احمدیان راد، حمیده (۱۳۸۸)، امضای دیجیتال چیست؟، پیام بانک، شماره ۴۸۹.
- السان، مصطفی (۱۳۸۵)، «دستورالعمل تجارت الکترونیکی و تشکیل قرارداد در چشم‌اندازی تطبیقی»، الهیات و حقوق، شماره ۲۰.
- السان، مصطفی (۱۳۸۳)، «جایگاه امضای دیجیتالی در ثبت اسناد به شیوه الکترونیکی»، کانون، دوره دوم، شماره ۵۵.
- السان، مصطفی (۱۳۸۳)، «نگاهی به قوانین مربوط به امضای دیجیتالی و ثبت رسمی اسناد»، کانون، دوره دوم، شماره ۵۱.
- انصاری، مرتضی (۱۳۷۵)، مکاسب، تبریز: چاپ سنگی.
- باقرزاده، فاطمه، سلیمانی، منصور (۱۳۸۸)، «امضای دیجیتالی و هویت مجازی»، ره آورد نور، شماره ۲۱.
- پورارشاد، نادر (۱۳۹۰)، «مطالعه حقوقی استفاده از اثر انگشت در تنظیم اسناد»، تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۱۲.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۸)، الفارق (دایره المعارف عمومی حقوق)، جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۰)، ترمینولوژی حقوق، جلد ۵، چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۰)، فلسفه حقوق مدنی، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات گنج دانش.
- حرانی، یوسف (۱۴۰۵ ه.ق)، حقائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، جلد ۱۸، بیروت: دارالاضواء.
- حسینی‌نژاد، حسینقلی (۱۳۸۰)، ادله اثبات دعوا، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانش نگار.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۸ ه.ق)، تذکره الفقهاء، جلد دوم، تهران: چاپ سنگی، مکتبه المرتضویه.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۴ ه.ق)، قواعد الاحکام، وصیت، قم: مکتبه الرضی.
- حمیتی واقف، احمد علی (۱۳۷۸)، ادله اثبات دعوا، چاپ اول، تهران: انتشارات دانش نگار.
- خمینی، روح الله (۱۳۶۳)، کتاب البیع، جلد اول، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- خیرخواه، علیرضا (۱۳۹۰)، «امضای دیجیتال چیست؟»، پیام بانک، شماره ۵۰۴.
- رضایی، روح اله (۱۳۹۰)، «اعتبار امضای الکترونیکی با توجه به مقررات داخلی و بین‌المللی»، کانون، سال پنجاه و سوم، شماره ۱۱۸.
- زرکلام، ستار (۱۳۸۲)، «امضای الکترونیکی و جایگاه آن در نظام ادله اثبات دعوا»، مدرس علوم انسانی، دوره یکم، شماره ۲۸.
- زرکلام، ستار (۱۳۹۱)، «دادرسی‌های الکترونیکی؛ ضرورتها، الزامات و چالش‌ها»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۳.
- زرگر، محمود (۱۳۸۶)، «امنیت در تجارت الکترونیکی»، مجلس و راهبرد، سال چهاردهم، شماره ۵۵.
- ستوده تهرانی، حسن (۱۳۷۵)، حقوق تجارت، جلد ۳، چاپ دوم، تهران: انتشارات دادگستر.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۲)، حقوق مدنی (تشکیل قراردادها و تعهدات)، جلد اول، چاپ سوم، تهران: انتشارات مجد.
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۶)، حقوق قراردادها، انعقاد، آثار و انحلال، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.

- صادقی نشاط، امیر (۱۳۸۳)، «تحلیل حقوقی جنبه‌هایی از پرداخت الکترونیک»، مجموعه مقالات همایش بررسی ابعاد حقوقی فناوری اطلاعات.
- صقری، محمد (۱۳۸۰)، **حقوق بازرگانی «اسناد»**، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- صمدانی، سید محمد حسین (۱۳۹۰)، **مطالعه تطبیقی ادله اثبات دعاوی**، چاپ اول، شیراز: انتشارات کوشا مهر.
- عاملی، شمس‌الدین محمد (۱۴۱۰ ه.ق.)، **اللمعه الدمشقیه فی الفقه الامامیه**، جلد دوم، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
- عرفانی، محمود (۱۳۸۸)، **حقوق تجارت تطبیقی**، جلد ۶، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
- فخاری، امیر حسین (۱۳۶۸)، «مقاله امضا و نقش آن در صدور چک»، نشریه کانون وکلای دادگستری، شماره ۱۹۶-۱۹۷.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۰۱ ه.ق.)، جزء سوم، **مفاتیح الشرائع**، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- قاجار قیونلو، سیامک (۱۳۷۸)، «امنیت امضای دیجیتال چگونه حفظ می‌شود؟»، بررسی‌های بازرگانی، شماره ۱۴۱.
- قاجار قیونلو، سیامک (۱۳۸۶)، «اسناد تجاری الکترونیکی»، اقتصاد و تجارت نوین، سال سیزدهم، شماره ۹.
- قلی‌زاده، احد (۱۳۹۰)، «تحلیلی بر اعتبار امضا در حقوق تجارت الکترونیکی»، بررسی‌های بازرگانی، دوره ۴۲، شماره ۳.
- قنوتی، جلیل (۱۳۸۳)، **مطالعه تطبیقی ایجاب و قبول**، چاپ اول، قم: انتشارات مؤسسه بوستان کتاب.
- قنوتی، جلیل، وحدتی شبیری، سید حسن، عبدی‌پور، ابراهیم (۱۳۷۹)، **حقوق قراردادها در فقه امامیه**، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶)، **حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)**، جلد اول، چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰)، **اثبات و دلیل اثبات**، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴)، **عقود معین**، جلد اول، چاپ سیزدهم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کرکی، علی بن حسین (۱۲۷۲ ه.ق.)، **جامع المقاصد فی شرح القواعد**، جلد دهم، تهران: چاپ سنگی.
- کی‌نیا، سید مهدی (۱۳۸۰)، «خطای تصویر شخصیت»، دین و ارتباطات، شماره ۱۳ و ۱۴.
- گلادمن، برایان؛ الیسون، کارل؛ بوهم، نیکلاس؛ ملکی، محمد رضا، فدوی لجوانی، سلیمان (۱۳۸۵)، «امضاهاى دیجیتال، گواهی امضاهاى الکترونیکی و تجارت الکترونیک»، کانون، دوره دوم، شماره ۶۰.
- مسجدسرایى، حمید، نبی‌نیا، خالد (۱۳۹۲)، «نقد و بررسی فقهی ادله اعتبار کتابت دین»، آموزه‌های فقه مدنی، دوره پنجم، شماره ۸.
- مظاهری، رسول، ناظم، علیرضا (۱۳۸۷)، «ارزش اثباتی داده پیام و امضای الکترونیکی»، ماهنامه حقوقی، دوره چهاردهم، شماره ۲.
- مغنیه، محمد جواد (۱۹۸۱ م.)، **التفسیر الکاشف**، چاپ سوم، بیروت، دارالعلم المالین.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ ه.ق.)، **مجمع الفایده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان**، جلد هشتم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۳ ه.ق.)، **تعلیقات علی العروه الوثقی**، جلد اول، قم: مدرسه الامام امیرالمؤمنین.

- میرشکاری، روشنعلی (۱۳۸۱)، *ادله اثبات دعوا*، چاپ اول، تهران: انتشارات نسل نیکان.
- ناصح وصالی، مرتضی (۱۳۸۴)، «امضای الکترونیک و جایگاه آن در ادله اثبات دعوی»، کانون، دوره دوم، شماره ۵۹.

غیرفارسی

- “Digital Signature Guidelines, Legal Infrastructure for Certification Authorities and Secure Electronic Commerce, Information Security Committee Electronic Commerce and Information Technology Division Section of Science and Technology”, *American Bar Association*, 1996.
- Michael chissick, Alister Kelamn, **Electeronic commerce: Law and Practice**, Sweet & Maxwell, London, 2002.
- The Model Norary Act, September 1, 2002 Published As a Public Service by the Notary Association. available at: www.nationalnotary.org

